

ظرفیت‌سازی در روستا - شهرها

با نگرش ساماندهی سطح‌بندی سکونتگاه‌های شهری و روستایی

مطالعه موردی: خراسان شمالی

حسن علی‌آبادی*

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۸/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۸/۱۱/۰۴

چکیده:

از مهمترین اصول دستیابی به توسعه پایدار باید به توزیع بهینه جمعیت و استقرار مناسب سکونتگاه‌ها اعم از شهری و روستایی در پهنه سرزمین، نواحی و مناطق در دو قالب توانمندی‌ها و قابلیت‌ها از یک طرف و تنگناها و محدودیت‌ها از طرف دیگر اشاره کرد. تحقق توسعه پایدار نیز در گرو عملیاتی کردن توزیع مناسب جمعیت و فعالیت‌ها در هر محیط جغرافیایی با یک مدیریت خردمندانه است. یکی از مهمترین روشهای عملیاتی کردن توزیع مناسب جمعیت تعریف درست نظام سلسله مراتب سکونتگاهی اعم از شهری و روستایی با رویکرد نزدیکتر کردن روابط شهر و روستا می‌باشد.

یکی از ضروریات طرح‌های جدید منطقه‌ای لزوم توجه و تعریف نظام سلسله مراتبی نه در دو نظام شهری و روستایی جدا از هم دیگر بلکه در یک مجموعه از بزرگترین شهر منطقه تا کوچکترین روستا با تعریف نقش و عملکرد هر کدام است. در این بین روستا-شهرها به عنوان حلقه‌های اتصال نظام سلسله مراتب شهری از یک طرف و سطح بندی سکونتگاه‌های روستایی از طرف دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که با شناسایی این نقاط در سطح نواحی و ظرفیت‌سازی با اعطای خدمات و تسهیلات ویژه می‌توان تاثیر بسزایی در جلوگیری از مهاجرت روستا به شهر و کاهش عدم تعادل‌های ناحیه‌ای به جا گذاشت و هدف از ارائه این مقاله شناسایی روستا-شهرهایی در استان خراسان شمالی در تعریف سطح بندی سکونتگاه‌ها اعم از شهری و روستایی در یک نظام سلسله مراتبی با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، سلسله مراتب شهری، سطح‌بندی سکونتگاه‌ها، روستا-شهر، خراسان شمالی.

مقدمه

و تعیین تکلیف همه چیز برای همه، در راستای تحقق اهداف رشد و توسعه اقتصادی گام بر می‌دارد اما شکست علم باوری مدرنیسم که متکی بر امکانات

در نیمه اول قرن بیستم برنامه‌ریزی‌های شهری و روستایی با رویکرد علم باوری مدرنیسم با داعیه‌فراگیری

* کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و کارشناس معاونت برنامه‌ریزی استانداری خراسان شمالی

حقیقت دیدگاههای موجود نیز به دنبال عملیاتی کردن توزیع مناسب جمعیت و فعالیتهای در هر محیط جغرافیایی است تا بواسطه مدیریت خردمندانه بتواند با کاهش نابرابری‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای به سمت تعادل انسان، فعالیت و فضا حرکت کند که یکی از مهمترین اصول آن توجه به نظام پراکنش سکونتگاهها اعم از شهری و روستایی می‌باشد.

از دهه ۱۹۸۰ به بعد گرایش برنامه‌ریزان به تمرکز زدایی فضایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و کاهش دوگانگی‌های اقتصادی و خدماتی شهری و روستایی سبب شکل‌گیری و توسعه راهبردهای جدیدی در مباحث سکونتگاههای انسان می‌گردد

طرح‌های منطقه‌ای و فضایی با هدف ساماندهی انسان و فعالیتهای او در فضا باید بتوانند یک ارتباط منطقی بین انواع سکونتگاههای انسان در فضا برقرار کنند تا با هدف توسعه‌ای پایدار، یکپارچه و با دیدگاهی فضایی، بتوان زمینه استقرار بهینه سکونتگاههای بشری را با دیدگاه روابط مستحکم شهر و روستا برقرار کرد و خدمات رسانی به جمعیت مستقر در این کانونها را نه به شکل از هم گسیخته و جدا بلکه با نظامی سلسله‌مراتبی از بزرگترین شهر منطقه (با ارائه خدمات برتر) تا کوچکترین روستا (در حد ارائه خدمات برای ساکنین خود) با تعریف نقش و عملکرد هر کدام در سطح منطقه تعریف و ارائه کرد. بنابراین در راستای انسجام بخشی به برنامه‌ریزی برای سکونتگاههای شهری از یکطرف و سکونتگاههای روستایی از طرف دیگر، باید روستا-شهرهایی را شناسایی، معرفی و تقویت نمود که با

مادی و تواناییهای علمی و فنی بود سبب تغییر نگرشهایی در برنامه‌ریزی‌های مکانی در راستای پارادایم پست مدرنیسم می‌گردد. در اثر مشکلات عدم تعادل‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای شکل گرفته در نیمه دوم قرن بیستم بویژه از دهه ۱۹۸۰ به بعد گرایش برنامه‌ریزان به تمرکز زدایی فضایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و کاهش دوگانگی‌های اقتصادی و خدماتی شهری و روستایی سبب شکل‌گیری و توسعه راهبردهای جدیدی در مباحث سکونتگاههای انسان می‌گردد. از مهمترین اصول مد نظر راهبردهای جدید در قالب برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای بحث توسعه پایدار است که جهت تحقق و دستیابی به آن برنامه‌ریزان اهدافی را مد نظر قرار می‌دهند. (رحیم سرور، ۱۳۸۴، ص ۵۳)

طرح‌های منطقه‌ای و فضایی با هدف ساماندهی انسان و فعالیتهای او در فضا باید بتوانند یک ارتباط منطقی بین انواع سکونتگاههای انسان در فضا برقرار کنند تا با هدف توسعه‌ای پایدار، یکپارچه و با دیدگاهی فضایی، بتوان زمینه استقرار بهینه سکونتگاههای بشری را با دیدگاه روابط مستحکم شهر و روستا برقرار کرد

یکی از اهداف اصلی، توزیع مناسب جمعیت و فعالیت در گستره سرزمین در گام اول و در گستره مناطق و نواحی در گام دوم می‌باشد که در این گذر توزیع بهینه و استقرار مناسب سکونتگاهها اعم از شهری یا روستایی تحت پارامترهای متعدد در دو قالب توانمندیها، مزیتها و قابلیت‌های بالفعل و بالقوه از یک طرف و تنگناها و محدودیتها از طرف دیگر از مهمترین اصول و طرق دستیابی به توسعه پایدار خواهد بود و در

لحاظ جمعیتی و نقش و عملکرد اقتصادی نسبتاً مسلط در حوزه روستایی در سطح منطقه بتواند حلقه اتصال نظام سلسله مراتب شهری و سطح بندی سکونتگاههای روستایی باشد لذا باید بعد از شناسایی آنها این مراکز را به نقاط پایدار سکونتی تبدیل کرد تا بواسطه آن بتوان نقاطی ضربه گیر جهت جلوگیری از مهاجرت روستا به شهر ایجاد کرد.

بیان مسأله

روند تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از زمان بسط روابط سرمایه داری در کشور و به شکل خاص طی چند دهه اخیر و گوناگونی بستر جغرافیایی متنوع سرزمین در کنار هم به شکل گیری فرم خاصی از نظام فضایی استقرار سکونتگاههای انسانی منجر شده است.

عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای در سطح کشور و درون منطقه‌ای در مناطق مختلف سبب عدم تعادل‌های جمعیتی بین سکونتگاههای روستایی و شهری شده است که این عدم تعادل سبب رشد شتابان شهرهای بزرگ از یکطرف و محدودیت روز افزون نقاط پراکنده روستایی از طرف دیگر شده است و این اتفاق در قالب مهاجرت‌های روستا به شهر عینیت یافته است.

جهت دستیابی به توسعه پایدار و قابل قبول در نظام برنامه‌ریزی فعلی کشور به لزوم توسعه یکپارچه نقاط شهری و روستایی باید توجه خاصی شود

مهاجرت‌های روستا به شهر که سبب بروز مشکلات متعددی از جمله شکل‌گیری و رشد سکونتگاههای غیر متعارف، نامتعادل بودن ساختار فضایی کشور، قطبی

شدن و تمرکز گرایی جمعیت در نقاط شهری بزرگ، تمرکز انواع فعالیتهای اقتصادی و انواع خدمات در شهرها و تخلیه بی رویه روستاها شده است و این تمرکز گرایی‌ها سبب استفاده بیش از حد از ظرفیتهای طبیعی و تخریب محیط زیست شده است که این مسأله، لزوم توجه خاص به بحث‌های توسعه پایدار و همه جانبه در سطح سرزمین را گوشزد می‌کند. (آسایش، ۱۳۷۸، ص ۸۲ - ۵۳)

روند تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از زمان بسط روابط سرمایه‌داری در کشور و به شکل خاص طی چند دهه اخیر و گوناگونی بستر جغرافیایی متنوع سرزمین در کنار هم به شکل‌گیری فرم خاصی از نظام فضایی استقرار سکونتگاههای انسانی منجر شده است

جهت دستیابی به توسعه پایدار و قابل قبول در نظام برنامه‌ریزی فعلی کشور به لزوم توسعه یکپارچه نقاط شهری و روستایی باید توجه خاصی شود و این مستلزم شناخت و بررسی ساختار کالبدی نقاط سکونتگاهی در یک نظام سلسله مراتب سکونتی (اعم از شهری و روستایی) و ساماندهی و استقرار بهینه این سکونتگاه‌ها است چرا که ارائه خدمات باید کاملاً از این نظام استقرار سکونتگاهی تبعیت کند.

بررسی‌های نظام سکونتگاههای ناحیه مورد مطالعه ما که بخشی از حوضه آبریز اترک و رشته کوه‌های کپه داغ و هزار مسجد در شمال و آداغ و بینالود در جنوب و دشتهای اطراف آن می‌باشد حکایت از عدم تعادل‌های جمعیتی چه در نقاط شهری و چه در نقاط روستایی دارد بطوریکه در شهرهایی با

هدف از تحقیق

توزیع بهینه انسانها در کنار توزیع هماهنگ فعالیت‌های اقتصادی در ارتباط با منابع طبیعی و انسانی هر ناحیه از اهداف مهم طرح‌های منطقه ای با نگرش توسعه پایدار محسوب می‌گردد این مقاله نیز در همین چارچوب سعی در بررسی سکونتگاههای شهری و روستایی جهت تعیین نقش و جایگاه روستا - شهرها را دارد. هدف از شناسایی کانونهای مستعد توسعه در نواحی روستایی در سطح مناطق نیز تعیین نقاطی جهت تقویت خدمات رسانی در آنها به منظور اتصال نواحی سکونت روستایی به شبکه سلسله مراتب فوقانی یعنی شبکه شهری با هدف ایجاد واحد یکپارچه سلسله مراتب سکونتی است.

در تحقیق حاضر می‌توان اهداف را به دو دسته نظری و کاربردی تقسیم کرد در ارتباط با اهداف نظری سعی بر دستیابی بر اهداف زیر است:

الف) بررسی و تبیین چگونگی تحلیل سکونتگاههای شهری و روستایی در یک نظام سلسله مراتب سکونتی واحد و یکپارچه.

ب) ارائه الگویی بهینه جهت ساماندهی نظام بهینه استقرار در سکونتگاهها اعم از شهری و روستایی و مطالعه و بررسی آنها در ارتباط با یکدیگر.

اهداف کاربردی نیز شامل موارد ذیل است:

الف- شناخت و تبیین چگونگی استقرار سکونتگاههای شهری و روستایی در منطقه مورد مطالعه با توجه به ویژگیهای طبیعی و انسانی خاص آن.

ب- معرفی کانونها و نقاط مستعد تحت عنوان روستا- شهرها و چگونگی تقویت آنها جهت انسجام

وزن جمعیتی کمتر از ۱۰۰ هزار نفر نیز با سکونتگاههای غیررسمی مواجه ایم و از طرف دیگر نیز محرومیت در اکثر نقاط روستایی بویژه در نواحی مرزی بوضوح نمود دارد. با توجه به وضعیت مذکور و به منظور ساماندهی بهینه استقرار این سکونتگاهها نیاز به این داریم که در نظام برنامه‌ریزی‌های آتی به شکلی یکپارچه این سکونتگاهها را مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم با توجه به دلایل متعدد مترتب بر آن خلاءهای سکونتی را با نگاه برنامه ریزی از پایین به بالا پر کنیم در این تحقیق جهت ساماندهی سکونتگاههای موجود و ارائه راهبردهای توسعه به دنبال ارائه پاسخ به اینگونه سوالات هستیم:

آیا جهت جلوگیری از مهاجرت‌های روستا به شهر نقاطی مستعد توسعه وجود دارد تا با تقویت آنها بتوان نقاط ضربه‌گیر مهاجرت به شهرها را تعریف کرد؟

بررسی‌های نظام سکونتگاههای ناحیه مورد مطالعه ما که بخشی از حوضه آبریز اترک و رشته کوههای کپه داغ و هزار مسجد در شمال و آلاداغ و بینالود در جنوب و دشتهای اطراف آن می‌باشد حکایت از عدم تعادل‌های جمعیتی چه در نقاط شهری و چه در نقاط روستایی دارد

آیا می‌توان نقاطی را به عنوان روستا- شهر شناسایی کرد تا بتوان با ارائه خدماتی حد واسط شهری و روستایی آنها را حلقه اتصال دو نظام سلسله مراتب شهری و سطح بندی سکونتگاهی روستایی تعریف و تقویت کرد؟

مناسب‌ترین کانونهای روستایی جهت استقرار خدمات برتر روستایی کدام مکانها هستند؟

بخشی به نظام سلسله مراتب شهری در بالا دست و سطح بندی سکونتگاههای روستایی در پایین دست. در نهایت در پهنه نواحی مختلف این استان سعی بر این است که نقاط روستایی و محروم که بعضاً به دلایل متعدد دارای بعد مسافت تا مراکز شهری جهت دسترسی به کالاها، خدمات و فعالیتهای نقاط شهری هستند، با ارائه خدمات در کانونهای مشخصی تحت عنوان روستا- شهرها زمینه نگهداشت جمعیت در این محیطها را فراهم آورده تا زمینه تحقق عدالت اجتماعی با محرومیت زدایی هموارتر گردد.

تعاریف و مفاهیم

در این بخش سعی بر این است که به تعاریف توسعه پایدار و تعاریف و مفاهیم روستا- شهر از دیدگاههای صاحب نظران مختلف پرداخته شود تا بتوانیم در آخر آنچه را از جایگاه روستا- شهرها در این تحقیق مد نظر داریم، روشن تر بیان نموده و سپس به بررسی وضع موجود و تحلیل آن پردازیم.

برنامه ریزی روستا- شهر که جان فریدمن بنیان گذار آن است و تصادم دیرینه بین شهر و روستا را از میان برداشته است مبتنی بر راهبرد تامین نیازهای اولیه در توسعه فضایی است و بیشترین انطباق را با جوامع روستایی و پرجمعیت با پایین بودن سطح شاخصهای توسعه اجتماعی دارد

متداولترین تعریف از پایداری تعریفی است که کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WECD) ارائه داده است. کمیسیون مذکور توسعه پایدار را بدین

صورت تعریف می کند: توسعه ای که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به تواناییهای نسلهای آتی در تامین نیازهای خود برآورده می سازد. ملاحظات توسعه پایدار از طریق اهداف و خط مشی هایی همانند تداوم بخشیدن به نظام بهره برداری از سرزمین، تلاش در توزیع متوازن فعالیتها، حفظ قابلیتهای تولیدی زمین، پراکنش و ساماندهی نظام استقرار جمعیت و توجه به بنیانهای جغرافیایی صورت خواهد گرفت. (سرور، ۱۳۸۴، ص ۵۰-۴۸)

همچنین صاحب نظران از دیدگاههای متفاوت کمی و کیفی به تعریف روستا- شهر پرداخته اند.

متداولترین تعریف از پایداری تعریفی است که کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WECD) ارائه داده است. کمیسیون مذکور توسعه پایدار را بدین صورت تعریف می کند: توسعه ای که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به تواناییهای نسلهای آتی در تامین نیازهای خود برآورده می سازد

برنامه ریزی روستا- شهر که جان فریدمن بنیان گذار آن است و تصادم دیرینه بین شهر و روستا را از میان برداشته است مبتنی بر راهبرد تامین نیازهای اولیه در توسعه فضایی است و بیشترین انطباق را با جوامع روستایی و پرجمعیت با پایین بودن سطح شاخصهای توسعه اجتماعی دارد. از اصول مهم که شالوده رویکرد توسعه روستا- شهرها را بیان می دارد اصل اتصال نواحی روستا- شهری به شبکه ارتباطی منطقه ای از طریق بهبود کانالهای ارتباطی میان نواحی روستا- شهری و شهرها بزرگتر است. این برنامه بر

۵۰۰۰ نفر و روستاهای پر جمعیتی است که با توجه به پراکندگی جغرافیایی و مرکزیت ثقل کانونهای روستایی اطراف به لحاظ جمعیت‌پذیری و همچنین پذیرش نقش نگهداشت جمعیت به عنوان کانونهای ضربه‌گیر مهاجرت از روستا به شهر مستعد برنامه‌ریزی جهت تقویت و ارتقاء خدمات رسانی می‌باشند.

سلسله مراتب شهری و سطح‌بندی سکونتگاههای روستایی در توسعه ملی

امروزه از بارزترین ویژگیهای شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، توزیع نامتعادل و نامتناسب نظام سکونتگاههای شهری است که در اکثر مناطق منجر به شکل‌گیری مجموعه‌های نامتعادل در فضای جغرافیایی شده است که خودتبعات خدمات رسانی نامطلوبی را به دنبال دارد و همین عدم تعادلها با تمرکز فعالیتهای اقتصادی و خدماتی در شهرهای بزرگ به عنوان عامل بازدارنده‌ای در مقابل توسعه مناطق عمل می‌نماید. یک قلمرو جغرافیایی شبکه‌ای از جوامع انسانی را در بردارد که در آن میان، مراکز شهری در هاله‌ای از روستاهای کوچکتر اطراف خود، توزیع فضایی خاصی را به صورت حلقه‌های زنجیره‌ای به هم پیوسته نشان می‌دهد که اصطلاحاً شبکه شهری خوانده می‌شود. (نظریان، ۱۳۷۲، ص ۱۰۳)

کشورهای جهان سوم و از جمله کشور ما در دوره پیش سرمایه‌داری دارای شبکه شهری کهکشانی بوده‌اند و به عبارتی روستاهای کوچک خدمات اولیه خود را از نزدیکترین شهر خود دریافت می‌کردند و این شهر با شهر متوسط منطقه در ارتباط بود و در نهایت نیز شهرهای متوسط با شهرهای بزرگ ارتباطی

توسعه‌ای مستقل و از پایین به بالا دلالت دارد. در واقع نواحی روستا-شهری مقدار زیادی اقتصاد کشاورزی دارد و دارای اختیارات خودگردانی است به این معنی نواحی روستا-شهری را می‌توان در حقیقت شهرهای کشاورزی نامید. (زیاری، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰-۲۰۹)

جان فریدمن و مایک داگلاس با توجه به ضعفهای موجود در نظریات قطب‌رشد و مرکز-پیرامون، خطوط نظریه جدیدی را تحت عنوان سیاست آمایشی توسعه روستا شهری مطرح کرده‌اند که تجسم ایجاد شهرها در پهنه کشتزارهاست. یعنی روستا شهرهایی که پایه‌ای از عناصر کلیدی شهرگرایی را در نواحی کوچک و پرتراکم روستایی داراست. برخی با توجه به فرآیند به وجود آمدن روستا شهرها معتقدند که روستا-شهر سکونتگاه روستایی است که به علت تمرکز و تراکم جمعیت در آن از نظر جمعیتی معیار شهر شدن را پیدا می‌کند ولی هنوز اکثریت جمعیت، شاغل در فعالیتهای کشاورزی هستند که این نوع روستا-شهرها معمولاً خودکفا هستند. (شکویی و موسی کاظمی، ۱۳۸۴، ص ۶۷)

برخی با توجه به فرآیند به وجود آمدن روستا-شهرها معتقدند که روستا-شهر سکونتگاه روستایی است که به علت تمرکز و تراکم جمعیت در آن از نظر جمعیتی معیار شهر شدن را پیدا می‌کند ولی هنوز اکثریت جمعیت، شاغل در فعالیتهای کشاورزی هستند که این نوع روستا-شهرها معمولاً خودکفا هستند

در این تحقیق با توجه به تعاریف و مفاهیم مذکور و با توجه به ویژگیها و شرایط جغرافیایی منطقه منظور از روستا شهرها، شهرهای کوچک با جمعیت کمتر از

مستقیم داشتند اما در قرن اخیر در اثر تحولات مختلف اقتصادی و اجتماعی متأثر از نظام سرمایه داری، نظام کهکشانی به یک رابطه و نظام زنجیره‌ای تغییر یافته است یعنی ارتباط پلکانی از نقاط کوچک تا شهرهای بزرگ کمتر دیده می‌شود و هر سکونتگاهی احتیاجات خود را مستقیماً از شهرهای بزرگ می‌خواهد دریافت کند. (اعتماد، ۱۳۶۳، ص ۱۵۱)

در داخل یک مجموعه شبکه شهری معمولاً شهرها را بر مبنای نقش و عملکرد آنها طبقه‌بندی می‌کنند بدین ترتیب شبکه شهری که به تبع شرایط جغرافیایی با نظم فضایی خاصی شکل گرفته است می‌تواند از نظر کمی (تعداد جمعیت) و یا از نظر کیفی (اهمیت و نقش آنها) طبقه‌بندی شده و در نظمی از یک پایه و ارتفاع در ردیف یا مرتبه‌ای پشت سر هم قرار گیرند که اصطلاحاً سلسله مراتب شهری نامیده می‌شود. در طبقه‌بندی شهرها از نظر کمی تئوریهای مختلفی وجود دارد که به بررسی اندازه - مرتبه شهرها می‌پردازد که از آن جمله تئوری رتبه-اندازه زیپف (Zipf) می‌باشد که در اینجا شهرها از نظر اندازه جمعیتی رتبه‌بندی می‌شوند تا طبقه‌های مختلف شهری مثل شهرهای بزرگ، میانی و کوچک هر کدام جایگاه خاص خود را داشته و بر این مبنای نقش ارائه خدمات پردازند. (نظریان، ۱۳۷۲، ص ۱۲۵-۱۰۵)

شبکه سکونتگاههای روستایی نیز معمولاً در طرحهای کالبدی ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد که عمدتاً نیز منطبق بر طرحهای موسوم به سازماندهی فضاها و مراکز روستایی وزارت جهاد کشاورزی می‌باشد که به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری (۱۳۷۸) رسیده است. در این طرحها معمولاً شبکه خدمات رسانی روستاها، گذشته از

روستاها منفرد به صورت حوزه، مجموعه و منظومه سازمان یافته است. (توفیق، ۱۳۸۴، ص ۵۰۱)

حوزه روستایی که معمولاً اجتماعی از چند آبادی است با حدود ۲ تا ۵ هزار جمعیت، مجموعه روستایی که تجمعی از چند حوزه است و معمولاً منطبق بر مراکز دهستانهاست و منظومه روستایی که وسیع‌ترین قلمرو فضایی برای فعالیت یکپارچه و پوشش خدماتی در محیط روستایی است که عمدتاً با محدوده بخشها منطبق است. (رضوانی، ۱۳۸۳، ۲۰۱-۱۹۹)

در طرح کالبدی منطقه‌ای جدید نیز همین سه سطح ملاک عمل قرار گرفته است. برای مثال شبکه سکونتگاهها در طرح کالبدی ملی ایران شامل دو شبکه جداگانه شهری و روستایی است که در این راستا شبکه شهری دارای چهار سطح و شبکه روستایی دارای سه سطح است سطح چهارم شبکه شهری که مرکز شهرستان است عموماً با سطح نخست شبکه روستایی یعنی مرکز منظومه انطباق دارد و بدین ترتیب هم پوششی این دو نظام در سطح مراکز شهرستانهاست. (عظیمی، ۱۳۸۲، ص ۲-۱)

جهت نزدیکتر کردن سطح خدمات شهری و روستایی کانونهایی شناسایی و معرفی شود تا هم به لحاظ جمعیتی از وزن نسبتاً همگونی برخوردار بوده و هم بتوان خدماتی حد فاصل خدمات شهری و روستایی را برای آنها تعریف کرد

بنابر آنچه گفته شد در مطالعات و طرحهای کالبدی تا حال حاضر این دو نظام سکونتی عموماً به صورت مجزا مطالعه شده‌اند لیکن باید سعی گردد که

کرد. ولی در کنار این پتانسیلهای طبیعی مناسب، مخاطرات طبیعی نیز گاهی به شکل محدودیها و تنگناهای توسعه عمل کرده است و توپوگرافی کوهستانی در برخی نقاط بخوبی مؤید این مساله است. مهمتر از آن گسترش و پراکندگی فراوان گسلها است که کانونهای جمعیتی را با خطرات جدی مواجه ساخته است و نمونه بارز این مخاطرات زلزله سال ۱۳۷۵ و موارد متعدد زمین لغزشهایی است که طی سالهای گذشته رخ داده است و دیگر مخاطرات طبیعی همچون ریزش سنگها و وقوع سیلابها نیز بسیاری از کانونهای جمعیتی زیادی را تهدید می‌کند. استان تازه تأسیس خراسان شمالی با وسعتی معادل ۲۸۱۷۹ کیلومتر مربع وسعت و جمعیت ۸۱۱۵۷۲ نفر بین عرضهای شمالی ۳۷ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۷ دقیقه و طول شرقی ۵۵ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۲۰ دقیقه از نصف النهار گرینویچ واقع شده است که از شمال با ۲۸۱ کیلومتر با کشور ترکمنستان، از شرق و جنوب با استان خراسان رضوی، از جنوب غربی با استان سمنان و از غرب با استان گلستان مجاورت دارد. این استان با جمعیت ۳۹۷۴۳۲ نفر مستقر در ۱۶ نقطه شهری و ۴۱۴۱۴۰ نفر مستقر در ۸۶۲ پارچه آبادی مسکون از معدود استانهایی است که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت آن هنوز روستانشین می‌باشند که عمده معاش آنان کشاورزی و دامپروری است.

۲- توزیع جغرافیایی و نظام سلسله مراتب

شهری خراسان شمالی

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ از میزان ۸۱۱۵۷۲ نفر جمعیت استان تعداد ۳۹۲۷۶۸ نفر ساکن در ۱۵ نقطه شهری

بررسی شبکه سکونتگاهها به شکل یکپارچه و منسجم انجام شود. حلقه اتصال این دو نظام عملاً مراکز شهرستانها با جمعیت‌های متفاوت (گاهی ۱۰ هزار نفر تا بیش از ۵۰۰ هزار نفر) و با نقش و عملکردهای متفاوت است که نمی‌تواند کانون مناسبی جهت اتصال دو حلقه نظام شهری بالادست و سطوح پایین دست روستایی باشد. بنابراین جهت نزدیکتر کردن سطح خدمات شهری و روستایی کانونهایی شناسایی و معرفی شود تا هم به لحاظ جمعیتی از وزن نسبتاً همگونی برخوردار بوده و هم بتوان خدماتی حد فاصل خدمات شهری و روستایی را برای آنها تعریف کرد و این نقاط در طرح‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای می‌تواند تحت عنوان کانونهای روستا-شهر مورد توجه قرار گیرد.

بررسی سکونتگاهها در خراسان شمالی

۱- محدوده و ویژگیهای طبیعی منطقه مورد

مطالعه

واقع شدن عمده کانونهای جمعیتی خراسان شمالی در تونل حد فاصل کوههای کپه داغ و هزار مسجد در شمال و آلاداغ و بینالود در جنوب حاکی از شرایط طبیعی و جغرافیایی خاص این منطقه است. آب و هوای مدیترانه‌ای که از سمت دریای خزر به این تونل نفوذ می‌کند و به سمت شرق کشیده می‌شود. شرایط اقلیمی و متوسط بارندگی ۲۹۵ میلی‌متر را در منطقه فراهم آورده است. آب و هوای مناسب و شرایط زمین شناسی در کنار منابع آب سطحی سبب شکل‌گیری دامنه‌ها و دره‌های سرسبز فراوانی در منطقه شده است. بطوری که کانونهای جمعیتی بطور عمده در این دره‌ها متمرکز شده‌اند و این مساله را بخوبی می‌توان در اطراف شهرهای بجنورد، آسرخانه، شیروان و فاروج مشاهده

جدول شماره ۱: طبقات جمعیتی شهرهای استان خراسان شمالی - ۱۳۸۵

ردیف	طبقات جمعیتی	تعداد شهر	درصد	جمعیت	درصد
۱	شهرهای بالاتر از ۱۰۰ هزار نفر	۱	۶,۳	۱۷۶,۷۲۶	۴۴,۵
۲	شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر	۲	۱۲,۵	۱۳۷,۳۱۷	۳۴,۶
۳	شهرهای ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر	۱	۶,۳	۲۵,۲۰۵	۶,۳
۴	شهرهای ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر	۲	۱۲,۵	۲۹,۴۵۲	۷,۴
۵	شهرهای ۵ تا ۱۰ هزار نفر	۱	۶,۳	۵,۲۲۷	۱,۳
۶	شهرهای کمتر از ۵ هزار نفر	۹	۵۶,۳	۲۳,۵۰۵	۵,۹
	جمع	۱۶	۱۰۰	۳۹۷,۴۳۲	۱۰۰

از روش قانون رتبه-اندازه استفاده شده است. این الگو یکی از قدیمی‌ترین و شناخته شده‌ترین الگوهای تجزیه و تحلیل اندازه‌های شهری در شبکه شهرهای یک منطقه است. این تئوری در ابتدا توسط اوترباخ جغرافیدان آلمانی ارائه شد و بعدها جورج زیف این قاعده را تکمیل کرد طبق این تئوری اگر سکونتگاهها را بر اساس اندازه جمعیتی به ترتیب نزولی مرتب کنیم جمعیت شهر n م برابر $\frac{1}{n}$ جمعیت بزرگترین شهر منطقه است.

در اینجا جمعیت ۱۶ نقطه شهری استان بر اساس این قانون مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بجنورد با جمعیت ۱۷۶۷۲۶ نفر به عنوان بزرگترین شهر مبنای بررسی جمعیت سایر شهرها قرار می‌گیرد. طبق قاعده قانون رتبه-اندازه جمعیت سایر شهرها در هر ردیف باید تابعی از $\frac{1}{n}$ جمعیت شهر بجنورد باشد. برای مثال دومین شهر یعنی

استان بوده‌اند. به عبارتی نسبت شهرنشینی در سال ۱۳۸۵ در محدوده این استان ۴۸/۵ درصد بوده است بنابراین نسبت شهرنشینی به میزان ۲۰ درصد کمتر از نسبت شهرنشینی در کشور (۶۸/۵ درصد) می‌باشد. در طی سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ تعداد شهرهای استان به ۱۶ نقطه شهری افزایش یافته است. اگر جمعیت نقطه شهری جدید ایور را که در سال ۱۳۸۵ به عنوان نقطه روستایی سرشماری شده را به جمعیت شهری سال ۱۳۸۵ جهت سهولت و بررسی مطالعات بهتر آماری بیافزاییم باید گفت که در سال ۱۳۸۵ جمعیت این ۱۶ نقطه شهری ۳۹۷۴۳۲ نفر بوده است. بنابراین در بررسی نظام سلسله مراتب شهری مبنای بر جمعیت سرشماری شده رسمی سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران در ۱۶ نقطه شهری قرار می‌دهیم.

در این بررسی جهت شناخت نظام سلسله مراتب شهرهای استان و عدم تعادلها و خلاءهای موجود در آن

بخود اختصاص داده‌اند بنابراین گسیختگی در پیکره نظام سلسله مراتب شهری استان خراسان شمالی بخوبی آشکار است.

وضعیت نظام سلسله مراتب شهری استان نشان می‌دهد علیرغم اینکه تا حدودی تعادل جمعیتی در شهر دوم و سوم برقرار است الگوی نخست شهری و یا شهر برتر در استان حاکم است و سطوح میانی و پایینی نظام سلسله مراتب شهری استان دچار گسیختگی است

۳- روستانشینی و سطح بندی نظام

سکونتگاهی خراسان شمالی

در مورد نقاط روستایی نیز باید گفت که ۸۶۲ پارچه آبادی دارای سکنه بر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ حدود ۵۱ درصد از جمعیت استان را در خود جای داده‌اند و بطور متوسط هر آبادی بیش از ۴۸۰ نفر جمعیت دارد. پتانسیلهای طبیعی مناسب منطقه و اقتصاد مسلط کشاورزی بخاطر منابع آبی مناسب آن و همچنین مراتع خوب طبیعت با توانمندیهای دامپروری آن، زیستگاههای متعددی را بویژه در دره‌های سرسبز منطقه جهت سکونت روستاییان فراهم آورده است ولی پایین بودن شاخصهای توسعه در منطقه بخوبی مشهود است. برای مثال آسفالتی بودن فقط حدود ۳۰ درصد از راههای روستایی در برابر متوسط ۶۰ درصدی کشور و یا بهره‌مندی روستاهای بالای ۱۰۰ خانوار از اجرای طرح هادی روستایی به میزان ۲۷ درصد در مقابل متوسط ۵۲ درصدی کشور، این وضعیت زمینه

شیروان باید جمعیتی معادل ۸۸۳۶۳ نفر جمعیت داشته باشد که عملاً دارای ۸۴۱۸۵ نفر جمعیت می‌باشد، به عبارتی با کمبود جمعیت ۴۱۷۸ نفری مواجه است و شهر شانزدهم یعنی لوجلی باید جمعیتی معادل ۱۱۰۴۵ نفر جمعیت داشته باشد که با وجود جمعیت ۱۰۵۶ نفری با کمبود جمعیت ۹۹۸۹ نفری مواجه است. براساس قانون رتبه- اندازه جمعیت شهری استان خراسان شمالی باید ۵۹۷۴۶۳ نفر باشد. به عبارت دیگر خراسان شمالی دارای کمبود جمعیتی ۲۰۰۰۳۱ نفر می‌باشد و بررسی‌ها نشان می‌دهد هر ۱۵ نقطه شهری دارای کمبود جمعیت می‌باشند تا بتوان به تعادل جمعیتی بر اساس این الگو دست پیدا کرد.

در این بررسی جهت شناخت نظام سلسله مراتب شهرهای استان و عدم تعادلها و خلاءهای موجود در آن از روش قانون رتبه- اندازه استفاده شده است. این الگو یکی از قدیمی‌ترین و شناخته شده‌ترین الگوهای تجزیه و تحلیل اندازه‌های شهری در شبکه شهرهای یک منطقه است

وضعیت نظام سلسله مراتب شهری استان نشان می‌دهد علیرغم اینکه تا حدودی تعادل جمعیتی در شهر دوم و سوم برقرار است الگوی نخست شهری و یا شهر برتر در استان حاکم است و سطوح میانی و پایینی نظام سلسله مراتب شهری استان دچار گسیختگی است. جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که مرکز استان به تنهایی ۴۴/۵ درصد از جمعیت شهری استان را در خود جای داده است و دو شهر نخست چیزی در حدود ۶۵/۵ درصد جمعیت را پذیرفته‌اند و ۹ شهر کمتر از ۵ هزار نفر جمعیت فقط ۵/۹ درصد از جمعیت شهری استان را

نظام سلسله مراتب شهرهای استان خراسان شمالی بر ایفای نقش و عملکرد سلسله مراتبی کانونها و فضاهای شهری متعادلی مبتنی نبوده و شمار کانونهای شهری و حجم جمعیتی آنها از یک نظام مطلوب بر اساس قانون رتبه- اندازه تبعیت نمی‌کند

پراکنندگی ۸۶۲ روستا در مساحت ۲۸ هزار کیلومتر مربعی از طرفی موقعیت و پتانسیل خاص طبیعی، جغرافیایی و اقتصادی منطقه را در تعدد کانونها نشان می‌دهد و از طرف دیگر مشکل خدمات رسانی در این پهنه وسیع را با توجه به پایین بودن شاخصهای توسعه، ضعف امکانات و خدمات زیربنایی و روینایی، انزوای جغرافیایی و بنیانهای ضعیف اشتغال در برخی مناطق را گوشزد می‌کند و نظام سطح بندی سکونتگاههای موجود روستایی به خوبی نتوانسته جوابگوی نیازها باشد بنابراین ابتدا باید الگوی مناسبی را جهت سلسله مراتب استقرار سکونتگاهی در منطقه تعریف کنیم در ثانی نقاطی را به عنوان نقاط ضربه گیر مهاجرت از روستا به شهر شناسایی و تقویت کنیم و ثالثاً با شاخص‌مند نمودن توزیع اعتبارات سعی در ارائه خدمات مناسب و در خور، در سطح سکونتگاهها داشته باشیم.

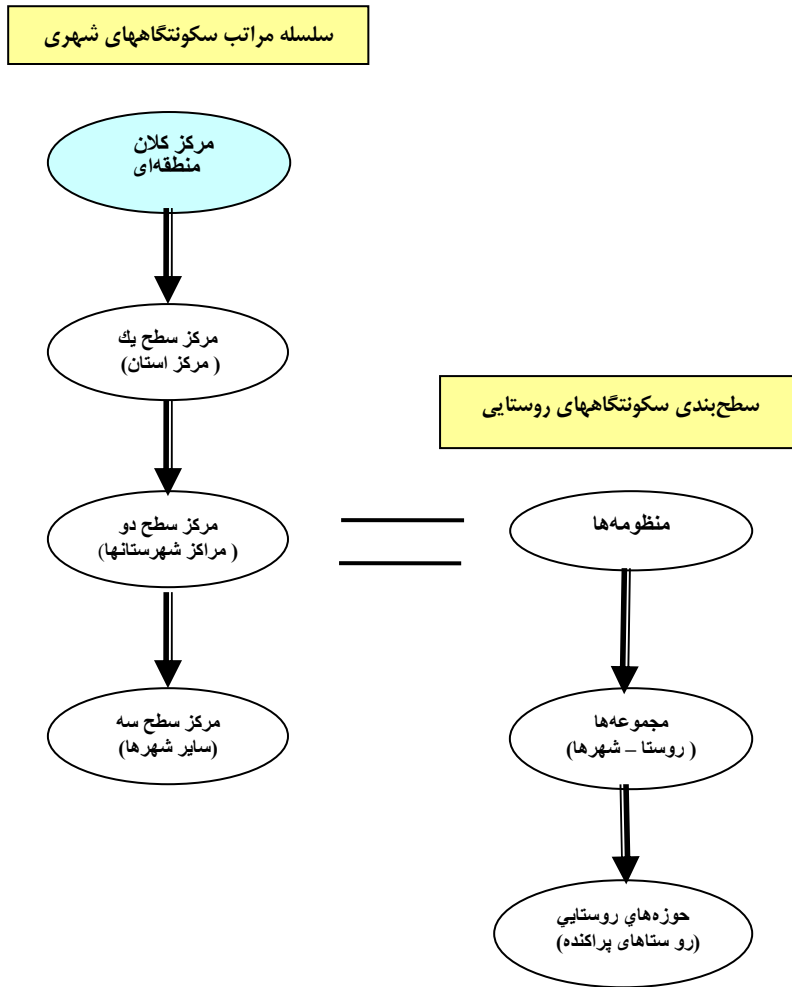
در راستای دستیابی به توسعه پایدار باید به بحث پراکنش و آرایش فضایی سکونتگاههای شهری و روستایی به شکل یک مجموعه یکپارچه توجه خاص داشت. اگر چه در شرح خدمات تهیه شده برای برخی طرح‌های موجود به این مساله توجه و تاکید شده است ولی به نظر می‌رسد چگونگی اتصال نظام سلسله مراتب شهری با سطح بندی سکونتگاههای روستایی به خوبی تعریف نشده و این گونه برداشت

مهاجرت و گریز جمعیت از روستا را (علیرغم پتانسیلهای طبیعی و اقتصادی مناسب) به سمت شهرها فراهم آورده است بطوری که مرکز استان هم اکنون با چیزی در حدود ۳۰ درصد جمعیت حاشیه نشین مواجه است و به لحاظ سطح بندی سکونتگاههای روستایی هم در طرح های موجود تاکنون ۳ منظومه (بجنورد، شیروان و اسفراین) در سطح یک قرار می‌گرفته‌اند تا به ۸۶۲ آبادی و چند نقطه کوچک شهری ارائه خدمات نمایند و در حال حاضر نیز به تعداد مراکز شهرستانها فقط ۷ منظومه باید به این تعداد آبادی خدمات سطح اول را ارائه نمایند.

تحلیل یافته‌های پژوهش و ارائه پیشنهاد

بر اساس آنچه گذشت دریافتیم که نظام سلسله مراتب شهرهای استان خراسان شمالی بر ایفای نقش و عملکرد سلسله مراتبی کانونها و فضاهای شهری متعادلی مبتنی نبوده و شمار کانونهای شهری و حجم جمعیتی آنها از یک نظام مطلوب بر اساس قانون رتبه- اندازه تبعیت نمی‌کند. گسیختگی در شبکه شهری استان با وضعیت فاصله زیاد بین شهرهای بزرگ و کوچک بخوبی مشهود است و عدم وجود شهرهای میانی و کوچک اندام در سطح منطقه سبب شده است که شبکه شهری استان دارای الگویی زنجیره‌ای بوده و نخست شهری نیز بر آن تسلط داشته باشد بنابراین در این ارتباط باید برخی شهرهای کوچک جهت ارتقاء به سطح شهرهای میانی تقویت شوند و زمینه جمعیت پذیری شهرهای کوچک را فراهم آورد.

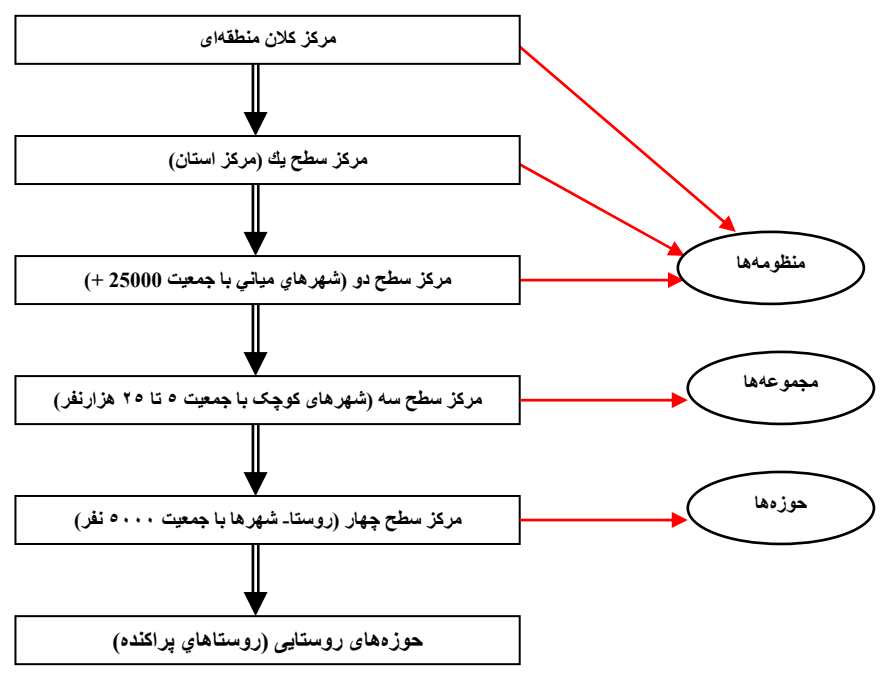
استقرار ۵۱ درصد جمعیت در نواحی روستایی نیز نشان از حاکمیت اقتصاد روستایی مبتنی بر فعالیتهای کشاورزی و سایر فعالیتهای وابسته به آن دارد و



سکونتگاههای روستایی نیز مراکز شهرستانی با وزنه‌های جمعیتی بین ۱۰ هزار نفر تا ۱۷۶ هزار نفر نمی‌تواند جایگاه یکسانی را در ارائه خدمات دارا باشد بنابراین پیشنهاد می‌گردد با توجه به رویکردهای جدید ساختاری-راهبردی در مقولات برنامه‌ریزی‌های کالبدی - منطقه‌ای و لزوم توجه به اصولی همچون توجه به ناحیه به عنوان یک کل

می‌شود که همان الگوی معمول رایج باز هم باید استفاده گردد الگویی که حلقه اتصال را مراکز شهرستانی تعریف می‌کند و در نمودار شماره ۱ مشهود است. الگوی رایج برای استانهای نظیر خراسان شمالی چندان راهگشا نخواهد بود چرا که در نظام سلسله مراتب شهری به کانونهای کوچکتر از مراکز شهرستانی توجه خاصی نشده و از طرف دیگر در نظام سطح بندی

نمودار شماره ۲: الگوی پیشنهادی نظام سلسله مراتب سکونتگاهی



شد تا بتوان به اهداف توسعه پایدار دست پیدا کرد. الگوی بهینه پراکنش سکونتگاههای شهری و روستایی الگوی کهکشانی منطبق بر قالبهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای با تقویت شهرهای میانی و کوچک خواهد بود.

بی‌تردید الگوی غالب سکونت در خراسان شمالی از آینده‌ای نزدیک الگوی شهری خواهد بود و وزنه جمعیتی استان از روستانشینی به شهرنشینی تغییر خواهد کرد

در راستای تقویت روستا- شهرها که در این تحقیق به بررسی آن پرداختیم در خراسان شمالی با توجه به دو شاخص وزن جمعیتی و توزیع و

یکپارچه، توجه به برنامه‌ریزی از پایین و رخنه به سطوح بالا، پر رنگ شدن لزوم مشارکتهای مردمی به نقاط جمعیتی کوچکتری به عنوان حلقه‌های اتصال دو سطح مذکور جهت تقویت بنیان‌های اقتصادی آنها توجه نمود و این نقاط همان روستا- شهرها با تعریف نقاط شهری کوچک و روستاهای بزرگ می‌باشند و در همین راستا الگوی نظام سلسله مراتب سکونتگاهی (نمودار شماره ۲) پیشنهاد می‌گردد.

بی‌تردید الگوی غالب سکونت در خراسان شمالی از آینده‌ای نزدیک الگوی شهری خواهد بود و وزنه جمعیتی استان از روستانشینی به شهرنشینی تغییر خواهد کرد و نکته مهم در این است که این الگوی سکونت چگونه در فضای جغرافیایی منطقه سازمان‌دهی خواهد

جدول شماره ۲: وضعیت جمعیتی نقاط روستا- شهری پیشنهادی

شهرستان	تعداد روستا	نام روستاها	جمعیت ۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۸۵	نرخ رشد
بجنورد	۱۰	چناران- ارکان-غلامان- ملکش-بک پولاد-یکه سعودسفلی-گریوان-اسفیدان-قلعه جق-بدرانلو	۲۰۴۷۹	۲۳۴۱۴	۱,۳
شیروان	۶	خانلق- زیارت- حسین آباد- ینگه قلعه بالا- کوسه- گلیان	۱۲۱۵۰	۱۴۲۲۶	۱,۶
اسفراین	۵	روئین- سست- چهاربرج- بام- ایرج	۱۱۵۸۷	۱۰۲۷۰	-۱,۲
مانه و سملقان	۴	کشانک- زرد- محمدآباد- اینچه سفلی	۷۶۴۸	۸۵۰۹	۱,۱
فاروج	۴	مایوان- تبتکانلو- چری- ینگه قلعه	۹۷۰۰	۹۱۶۱	-۰,۶
جاجرم	۱	طبر	۱۴۲۷	۱۱۵۵	-۲,۱
کل استان	۳۰	-	۶۲۹۹۱	۶۶۷۳۵	۰,۶

مقصد یعنی شهرها نیز زمینه ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی را هموار ساخت.

تعداد ۳۰ نقطه انتخاب شده دارای جمعیت ۶۶۷۳۵ نفر می‌باشند که جمعیت آنها بین ۶۲۳ تا ۴۹۰۵ نفر متغیر است. روستاهایی با جمعیت کمتر از ۲۰۰۰ نفر عمدتاً بخاطر تقسیمات سیاسی- اداری و پراکندگی جغرافیایی مناسب آنها در سطح استان انتخاب شده‌اند تا بتوان توسط این نقاط سلسله مراتب سکونتی را در تمامی فضای استان به شکل پراکنده و متوازن توزیع کرد.

بررسی وضعیت جمعیتی ۳۰ نقطه مورد اشاره در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که این روستاها دارای نرخ رشد مثبت ۰/۵۸ در مقابل رشد منفی جمعیت روستایی استان و

پراکندگی جغرافیایی، از بین نقاط روستایی استان ۳۰ نقطه روستایی انتخاب شدند (جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۱) تا در کنار ۹ نقطه شهری بتوانند در قالب روستا- شهرها به عنوان حلقه‌های مفقوده و با ارائه خدماتی مناسب جهت کانونهای روستایی اطراف خود سبب اتصال زنجیره شهرهای بالادست و روستاهای فرودست خود شوند.

در انتخاب ۳۰ نقطه روستایی جهت ارتقاء به سطح روستا- شهرها در منطقه در این تحقیق حداقل سعی شده است وضعیت جمعیتی، توزیع جغرافیایی، وضعیت پایداری سکونتی و شبکه راههای ارتباطی ملاک عمل قرار گرفته تا با تقویت زمینه خدمات رسانی زیربنایی و روبنایی بتوان در سطح استان زمینه نگهداشت جمعیت روستایی را در مبدأ فراهم آورد تا در کنار آن بتوان در

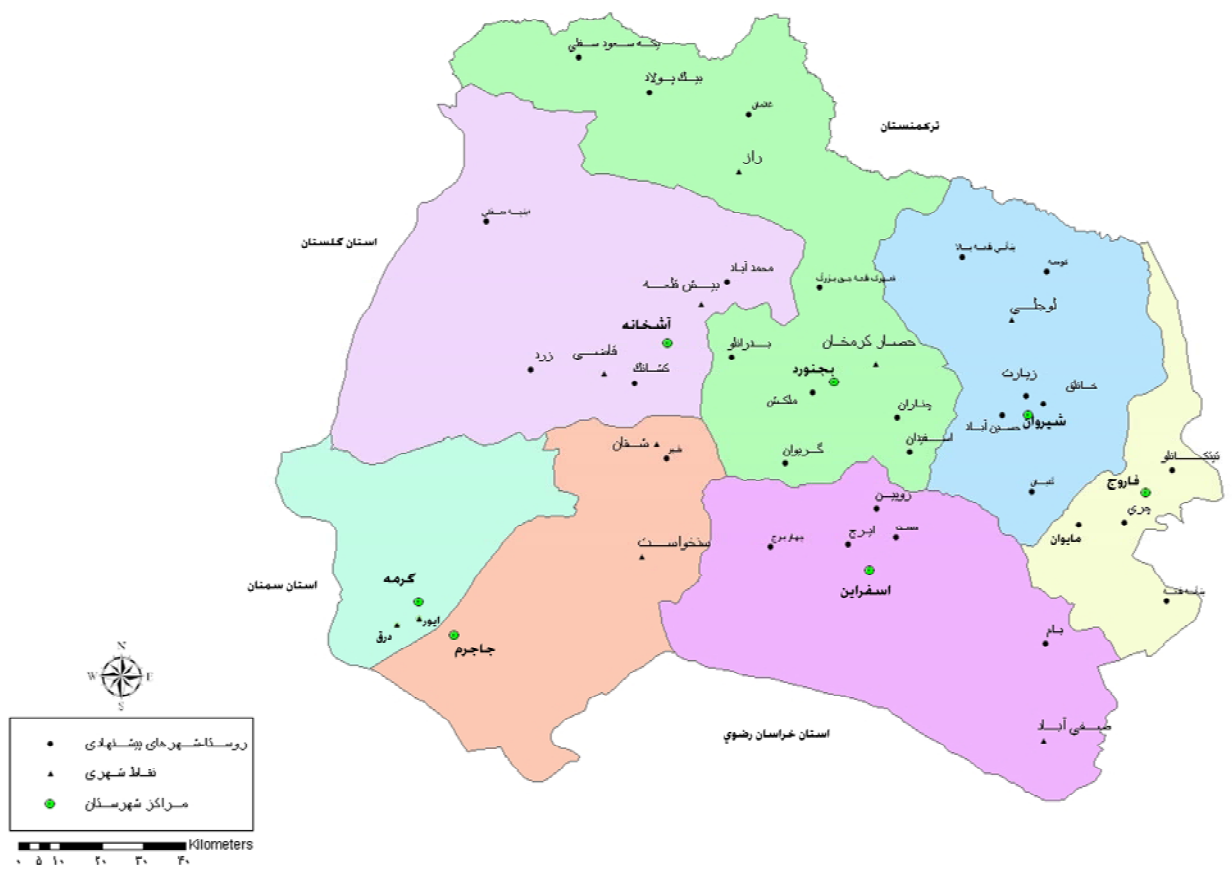
رشد منفی جمعیت روستایی کشور بوده است و این نشان می‌دهد که روستاهای مذکور از پتانسیلهای فراوانی جهت نگهداشت جمعیت برخوردار می‌باشد بطوریکه علی‌رغم کاهش‌های فراوان جمعیت روستایی در سطح کشور و استان، از ۳۰ نقطه انتخاب شده و پیشنهادی (شکل شماره ۱) تعداد ۲۰ نقطه دارای نرخ رشد مثبت می‌باشند.

از تعداد ۳۰ نقطه انتخاب شده روستایی تعداد ۶ نقطه خانلق، زیارت، ارکان، حسین آباد، چری و ملکش روستاهایی هستند که در حوزه استحفاظی مراکز

شناسایی نقاط روستایی مستعد توسعه و توجه خاص به آنها در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای زمینه و بستر آن را فراهم خواهد آورد که در آینده به نوعی این نقاط برای تبدیل به شهر، شناسایی شده و مبنای ارتقاء قرار گیرند

شهرستانها واقع شده اند و می‌توانند نقش جذب جمعیت اضافی مرکز شهرستانها و یا مهاجرین تازه وارد را بپذیرند. تعداد ۳ نقطه چناران، اسفیدان و روئین که به عنوان مناطق گردشگری نمونه استانی نیز

شکل شماره ۱: موقعیت روستا-شهرهای پیشنهادی در سطح استان خراسان شمالی



- رضوانی محمدرضا، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، ۱۳۸۳.
- زیاری کرامت ا...، مکتب‌ها نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد، زمستان ۱۳۸۳.
- سرور رحیم، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، انتشارات سمت، بهار ۱۳۸۴.
- شکوئی حسین و سید مهدی موسوی کاظمی، مبانی جغرافیای شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۴.
- عظیمی ناصر، روش شناسی شبکه سکونت گاهها در طرح های کالبدی منطقه‌ای، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۲.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
- نظریان، اصغر، شبکه شهری و نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، شماره اول تابستان ۱۳۷۲.

انتخاب شده‌اند، پتانسیل توسعه گردشگری را داشته و ۲۱ نقطه دیگر نیز با توزیع و پراکندگی جغرافیایی در اکثر نقاط محروم و مرزی در سطح استان دارای مرکزیت ثقل جغرافیایی نسبت به کانون‌های روستایی اطراف خود می‌باشند.

افزایش ظرفیت جمعیت پذیری این روستا-شهرها مستلزم اقداماتی از قبیل گسترش خدمات زیربنایی، توسعه نواحی صنعتی با تاکید بر صنایع دستی و صنایع تبدیلی، حمایت از تعاونی‌های روستایی، تقویت و حمایت از دامپروری‌های نیمه مدرن و نیمه صنعتی، تقویت بخش گردشگری در نقاط مستعد، کمک به تامین مسکن ارزان قیمت، احداث و توسعه مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای و ... می باشد.

و سخن آخر اینکه شناسایی نقاط روستایی مستعد توسعه و توجه خاص به آنها در برنامه ریزی‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای زمینه و بستر آن را فراهم خواهد آورد که در آینده به نوعی این نقاط برای تبدیل به شهر، شناسایی شده و مبنای ارتقاء قرار گیرند.

منابع و مآخذ

- آسایش حسین، شاخص ساختاری - کاربردی توسعه روستایی در رابطه با آمایش سرزمین، فصلنامه تخصصی مسکن و انقلاب، شماره ۸۷ سال ۱۳۷۸.
- توفیق فیروز، آمایش سرزمین تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۴.
- حسامیان فرخ، گیتی اعتماد و محمدرضا حائری، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.